

در باره تاکتیک خلع ید در فولاد اهواز

سیاوش دانشور

صفحه ۳

پاسخ غرب به دادگاه بین المللی: انتقام از مردم غزه

خطر گسترش جنگ

آذر ماجدی

صفحه ۶

اعلامیه حزب حکمتیست

اعتصاب فولاد، توافقی محدود و بازگشت به کار ادامه اعتصاب کارگران شفق

صفحه ۷

اساس برنامه کمونیستی ما پابرجا مانده است

منصور حکمت

صفحه ۱۰

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

پیام قاطع جنبش کارگری ایران به رژیم اسلامی سرمایه داری

ایستاده ایم تا پایان! ما فولاد گذاشته ایم!

صفحه ۸

نامه سرگشاده به نهادهای سکولار در غرب

یا در کنار عدالت می ایستیم یا نسل کشی؟

تاریخ قضاوت خواهد کرد!

صفحه ۹

اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست

صفحه ۵

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۲

۷۳۶

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۱۳ بهمن ۱۴۰۲ - ۲ فوریه ۲۰۲۳

تشدید سرکوب و اختناق و گسیل طلبه به مدارس،

تضمین بقای جمهوری اسلامی نیست!

نظام آموزشی در ایران رو به قهقرا است. آخرین بقایای آموزش و دوزخ علمی با اخراج معلمین متعهد و سکولار و با حضور و گسترش طلبه ها در مدارس و تشدید فضای مذهبی در حال سقوط است. در دو سال گذشته و با آغاز خیزش انقلابی، مبارزه دانش آموزان در مدارس بخصوص دخترانه به چالش بزرگی برای جمهوری اسلامی تبدیل شد. اعتراضهای مدام دانش آموزان علیه حجاب اسلامی و فضای اختناق آمیز اسلامی در مدارس همگام با جنبش زنان و جوانان در خیابانها جمهوری اسلامی را به تنگ آورد.

نقش پررنگ دانش آموزان در مدارس همزمان با اعتراض وسیع دانشجویان در دانشگاهها در اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ و تعرض انقلابی دانش آموزان به مقدسات جمهوری اسلامی و احکام دینی از جمله زیر پا گذاشتن حجاب اسلامی، همزمان با حجاب سوزان در خیابانها، جمهوری اسلامی را با شرایط جدید و غیر قابل تحملی در مدارس روبرو کرد.

جمهوری اسلامی برای جبران این شکستها به تکاپو افتاد. همزمان با سرکوب خونین و وحشیانه خیزش جوانان و زنان و توده های محروم در خیابانها، حملات وسیعی را به دانش آموزان، بخصوص مدارس دخترانه آغاز کرد. با حملات شیمیایی به مدارس،

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ظاهر هم شده تلاش می کنند با این اقدامات ارتجاعی و حضور بیشتر طلبه و روحانی در نظام آموزشی، مدارس رنگ مذهبی به خود بگیرد و فضای مدارس را به قبل از خیزش انقلابی بر گردانند، هدفی که جمهوری اسلامی هرگز به آن نایل نخواهد شد و مردمی که علیه این وضع به پا خواستند می توانند این امکان را از آن سلب کنند.

جمهوری اسلامی اکنون در میان اکثریت عظیم مردم پایگاهی ندارد. با اقدامات سرکوبگرانه و تشدید فقر و فلاکت و اختناق نفرت از خود را دامن میزنند. جمهوری اسلامی و همه سران ریز و درشت آن برای ادامه بقا، نیازی جز گسترش اختناق و رعب و وحشت، دستگیری فعالین و اعدام جوانان نمی بیند. تشدید اختناق در دانشگاهها و مدارس، اخراج اساتید و معلمان متعهد و مردمی و سکولار و جایگزینی آن با روحانی و طلاب و گسترش فضای اختناق مذهبی در مدارس قرار است به بقای جمهوری اسلامی کمک کند. مقابله زنان علیه اقدامات سرکوبگرانه رژیم، زیربار نرفتن حجاب اسلامی، گسترش اعتراض و نارضایتی و مبارزه کارگران نشان از این دارد که اکثریت مردم علارغم وحشیگری رژیم اسلامی در تلاش و جستجوی راههای برونرفت از این شرایط و جوارو کردن رژیم سرکوب و اختناق و استثمار هستند. تشدید اختناق و حضور گسترده طلبه، تضمین بقای جمهوری اسلامی نیست، بیشتر نفرت از خود را دامن می زند.

سردبیر



تشدید سرکوب و اختناق و کسپیل طلبه به مدارس،

تضمین بقای جمهوری اسلامی نیست!

تا دستگیری دانش آموزان مبارز و انقلابی و امنیتی کردن فضای مدارس و اخراج دانش آموزان مبارز، اقدامات انتقام جویانه جمهوری اسلامی در مقابل دانش آموزان و مبارزات آنان علیه حجاب اسلامی و خفقان اسلامی در جامعه و در مدارس بود. سران جمهوری اسلامی به اینها اکتفا نکرده و برای تسلط بر مدارس و تشدید اختناق و سرکوب آزادیخواهی، اقدام به پاکسازی معلمان متعهد و سکولار همچون دانشگاهها و استخدام هزاران طلبه در مدارس کرده است.

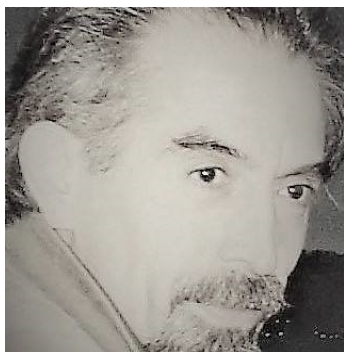
با گسترش فضای اختناق اسلامی و افت کیفیت نظام آموزش علمی بیش از گذشته و حضور طلبه ها در مدارس بی علاقه در میان دانش آموزان نسبت به حضور در کلاسهای درس گسترش یافته است. اضافه بر آن فقر و نداری خانواده ها در تامین معیشت و عدم تامین امکان تحصیل کودکان، کودکان زیادی را از تحصیل محروم کرده است. بسیاری روش است که امنیتی کردن فضای مدارس و حضور گسترده آخوند؛ این انگلهای جامعه؛ در مدارس و ترویج افکار پوسیده خرافی و اسلامی به مغز کودکان، دانش آموزان را از حداقلی از آموزش علمی نیز محروم می کنند. مضاف بر آن عدم امنیت روانی و روحی و کنترل دانش آموزان و معلمان متعهد توسط حراست و عوامل رژیم، حضور دانش آموزان در مدارس را بسیار سخت و خانواده آنان را مشکلات بسیاری روبرو می کند. بر طبق آمار هم اکنون ۲۴ هزار روحانی در مدارس کشور در قالب طرح؛ امین؛ فعالیت می کنند.

بنا به گفته مسئولین آموزش و پرورش در مهرماه امسال مدارس به استخدام ۲۰۰ هزار معلم نیاز دارد. وزارت آموزش و پرورش برای جبران کمبود معلمان، به جای معلمان متخصص به استخدام روحانی و طلبه روی آورده است و هدف از آن خالی کردن مدارس از نیروی متخصص و آموزش دیده و سکولار است، گسترش فضای رعب و وحشت در مدارس و هدف از آن تعهد دانش آموزان به رعایت حجاب و تمکین به احکام مذهبی است که تا کنون نتیجه چندانی برای جمهوری اسلامی به بار نیاورده است.

سیاست "خالص سازی" یا "پاکسازی" که یکی از پروژه های همیشگی در جمهوری اسلامی در محیط های آموزشی بوده، با آغاز خیزش انقلابی ۱۴۰۱ بخصوص، و بعد از آن همزمان با سرکوب خونین اعتراضات سراسری مردم، ابتدا از دانشگاهها آغاز شد و در مدارس نیز گسترش یافت. برای اجرای این سیاست که بعضی ها آن را به "انقلاب فرهنگی" در اوایل قدرت گیری جمهوری اسلامی و پاکسازی دانشگاهها تشبیه می کنند، از دانشگاهها شروع شد، صدها استاد نخبه و متعهد و سکولار با دیدگاههای مختلف را اخراج، یا به استعفا و بازنشستگی مجبور کردند و این سیاست را در مدارس با اخراج معلمان متخصص و متعهد ادامه دادند تا اختناق را گسترش دهند و اهداف ارتجاعی و ضد انسانی خود را پیش ببرند.

بر خلاف تلقی اکثریت مردم و بخصوص نسل جدید که نشان دادند نه تنها با نظام آموزشی که با کلیت نظام و قوانین پوسیده اسلامی سر ستیز دارند، جمهوری اسلامی و مسئولین آموزش و پرورش در

مرگ بر جمهوری اسلامی!



صنعت فولاد را برسر کارگر حاکم کرده‌اند. اما از تامین حقوق پایه کارگر و حتی اجرای قوانین مصوب طفره می‌روند، با کارگر مثل برده برخورد میکنند و با کمک نهادهای امنیتی برای اعتراضات برحق کارگران پرونده سازی میکنند.

اینجاست که بحث خلعید از بانک ملی، پرچم نقد و نفی مدیران نامربوط به صنعت فولاد،

بازتعریف مناسبات حاکم به روابط کار، خواست نظارت کارگر بر امور و مشارکت در مدیریت مطرح میشود. اینجاست که کارگر فولاد بجای تغییرات جزئی و صوری، خلعید میخواد تا هم شرایط فعلی کارش را بهتر و آینده شرکت را تضمین کند و هم راساً کنترلی بر امور تولید و گروه ملی داشته باشد. علی محمدی باید برود. هر توجیهی برای آن تراشیده شود، علی محمدی با حکم پُتک فولادین کارگران ویران و تمام شد. اما برکناری وی تا خلعید از بانک ملی و بنگاه داران سفته باز فاصله‌ای هست که باید طی شود.

خلعید و سکوت‌های معنی‌دار

یک تحلیل و تبیین در کشمکش طولانی کارگران هفت‌تپه با طایفه اسدیگی‌ها اینبود که "سیاست خلعید بیراهه است"، "تاکتیک اشتباهی است"، "طرح اضافه دستمزد مهمتر است" و بعضاً دانشمندی می‌گفتند که "خلعید سیاست یک جناح حکومت است!!" ارزیابی متأخرتر این سنخ دیدگاه اینست که "تاکتیک و سیاست خلعید در هفت‌تپه شکست خورد و بهتر است کارگر فولاد دنبال همان همسان‌سازی و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل باشد". دیدگاهی که روشن و صریح بیان نمیشود، با سکوت نیم کلاج از کنار آن می‌گذرند، چرا که گوینده‌اش در مقابل خواست کارگران قرار می‌گیرد و حامی ناخواسته و دوافکتوی کارفرما میشود. برجسته نکردن خواست خلعید و سکوت در قبال آن، از یکسو متکی بر این بک‌گراند تحلیلی است و از سوی دیگر هدفش حاشیه‌ای کردن خواست خلعید است.

استدلال فولادی‌ها ساده و عمیق است: می‌گویند بنگاه دار و سفته باز و بانکدار که بدلیل اختلاس و فساد عظیم در صنایع فولاد و در این کیس بانک ملی، که بعد از جریان امیر منصور آریا مالک گروه ملی شده است، ربطی به فولاد ندارد و بقول خودشان فاقد "اهلیت" و تخصص در این رشته است. یکی از مهمترین شاخه‌های صنعتی کشور را بالا کشیدند و هر روز به این و آن واگذار میکنند و با کار و امنیت و منافع آنی و آتی کارگر بازی می‌کنند. مثنی سرمایه دار فاسد، یک باند مافیایی در صنعت فولاد در معیت امنیتی‌ها و نورچشمی‌ها که کارشان استثمار شدید کارگر و راه اندازی یک برده‌داری تمام عیار است. انواع شکاف و ناامنی و رقابت میان کارگر ایجاد و سیستمی پادگانی راه انداخته‌اند. کارگران قدیمی و بانفوذ را مرتب زیر ضرب جریمه و ممنوع‌الورودی و اخراج قرار داده‌اند و همراه با مقامات میخورند و به کارگر وعده سرخرمن میدهند. بین خودشان تقسیم سهم میکنند و هر روز بخشی از شرکت را به این و آن واگذار میکنند. کارگر فولاد این بازی را قبول ندارد و چنین حقی را برای مدیران و بانک ملی قائل نیست. کارگر فولاد از شخصیت و حرمت و حقوق‌اش دفاع میکند و در مقابل این روند که کل صنایع فولاد و صنایع فلزی و شرکتهای فولادی در خوزستان تا ذوب آهن اصفهان و فولاد مبارکه را درنوردیده مخالفت میکنند. شرکتهای زلوی پیمانی مانند راهیان شفق را علم کردند و در یک واحد صنعتی انواع قرارداد و دستمزد برای یک پروسه واحد تولید تعریف کرده‌اند. امری که مجموعاً سهم ناچیز کنونی کارگر از تولید اجتماعی را مرتباً کاهش میدهد و سهم شیر را به حلقوم مثنی سرمایه‌دار طفیلی می‌ریزد و هنوز اشتباهی‌شان سیری‌ناپذیر است. کارگران هزار

صفحه ۴

در باره تاکتیک خلعید در فولاد اهواز

سیاوش دانشور

یک سیاست کارگران فولاد در دوره اخیر، عزل علی محمدی کارفرمای گمارده شده بانک ملی و خلعید از بانک ملی بعنوان بنگاهداری است که بر بنری بزرگ در صف اول اجتماعات پرشکوه کارگران فولاد خودنمایی میکند. این خواست کارگران عمدتاً با سکوت عجیبی مواجه شده و در این سکوت ناگفته‌ها و مخالفت‌هایی مُستتر است که صریح بیان نمیشود.

عزل کارفرما

در گروه ملی اولین بار نیست که زیر فشار مبارزه کارگران مدیران و کارفرمایان فاسد و اختلاسگر تغییر میکند. از داستان اختلاس نجومی امیرمنصور آریا تا عبدالرضا موسوی مالک بعدی، کارگران در عزل و برکناری مدیرعامل نقش کلیدی داشته‌اند. بعبارت دیگر، مستقل از پرونده‌های فساد و جنگ‌های مافیایی باندهای درون نظام برسر چپاول اموال جامعه و کارگران، اگر کارفرما و مدیری با کارگران فولاد درافتاده، ورافتاده است. در گروه ملی کارفرمایان با لشکری از کارگران متخصص و باسواد و باتجربه و سنت‌دار روبرو هستند که هر کدامشان باندازه کل این هیئت مدیره‌ها قابلیت دارند. علی محمدی بی‌ادب که عددی نیست و از ابتدا هم کارگران وی را برسمیت نشناختند.

زمزمه برکناری علی محمدی

در یادداشت قبلی اشاره شد که زمزمه برکناری علی محمدی در محافل کارفرمایی حول و حوش بانک ملی بگوش می‌رسد. این موضوع بدون تردید در بی‌عرضگی وی در اداره گروه ملی از یکسو و اعتراضات و اعتصابات شکوهمند کارگران از سوی دیگر ریشه دارد. فولادی‌ها البته زودتر از زمزمه برکناری مدیرعامل، علی محمدی را از شرکت بیرون انداختند و اعلام کردند که حاضر نیستند با این فرد بد دهن و بی‌لیاقت و نادان نسبت به صنعت فولاد کار کنند و وی را به رسمیت نمی‌شناسند.

در تداوم این زمزمه‌ها، روز شنبه ۷ بهمن، مسئولین بانک ملی جلسه‌ای با علی محمدی برگزار کردند که طبق شنیده‌ها در آن جلسه بحث "برکناری، جابجایی و استعفا" مطرح شده است. تغییر مدیرعامل گروه ملی ظاهراً با مسائل انتخاباتی و کاندیداتوری علی محمدی برای مجلس توجیه شده است. موضوعی که کمترین ارتباطی با مشغله‌های واقعی کارگران فولاد ندارد. حرف کارگران در همین روز در خروش عظیم خیابانی شان بروشنی بیان شد؛ "ما دیگه رأی نمیدیم، عدالتی ندیدیم!!" اما دلیل مهمتر برکناری علی محمدی از موضع بانک ملی بعنوان سهامدار و مالک فولاد، اعتراضات کارگران است که مدیرعامل نتوانسته اوضاع را آنطور که آنها میخواهند هدایت و کنترل کند و اعتصاب موجب ضربه اقتصادی به جیب و حسابهای تلمبار شده حضرات مفتخور بانک ملی زده است. تاکتیک بانک ملی اینست که با عزل علی محمدی هم از ضرر خودش جلوگیری کند و هم کارگران ناراضی فولاد را آرام کند. کارگران فولاد اما باتجربه‌تر از آن هستند که با این مانورهای کارفرمایان فریب بخورند. کارگران می‌گویند؛ "مشکل ما پالان خر نیست که مرتب عوض کنید، مشکل خود خر است". کارگران می‌گویند؛ "مشکل ما سیاست کثیف و نگاه ارباب رعیتی بانک ملی به کارگران شرکتی است که در دنیا همتایی ندارد". کارگران به سیاست امثال نجارزاده و مسئولین بانک ملی اعتراض دارند که در فساد غرق‌اند، برای عناصر باندهای دور و بر موقعیت و پست جور می‌کنند و افراد بی‌خاصیت و نادان و فاقد تخصص در

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

در باره تاکتیک خلع ید در فولاد اهواز

سیاوش دانشور



بوئزه در صنایع بزرگ که کارگران بیشتر به سنت مبارزاتی شورائی متکی اند، مجمع عمومی کارگران را یکپارچه با قدرت عظیمی به صحنه آورده است. مسئله ندیدن و واقعیات نیست، تقابل با سنت متمایز و رادیکال در درون طبقه است.

امروز تنها تشکل مربوط و واقعی و عینی، اگر تشکل را صرفاً به وجه اداری - بورکراتیک و دفتر دستکی و تعیین و معرفی چند نماینده از جانب کارگران تقلیل ندهیم، مجمع عمومی است. حتی در همین سنت وقتی "هیئت نمایندگی کارگری" بطور موقت تشکیل میشود، اگر نیروی متحد اعتراض و اعتصاب پشت سرش نباشد، همواره با تهدید و تضمین نمایندگان روبرو میشود. به همین دلیل کارگر سراغ تشکل هیئت نمایندگی نمیرود، چون تجارب و موارد مشخصی هست که سرکوب و یا تضمین شده است. بحث تشکل کارگری در کشورهای اختناق زده از قانون همه یا هیچ و صفر و یک تبعیت نمیکند، بلکه اراده ای است که توسط کارگر طی یک پروسه مبارزاتی تحمیل میشود. ایجاد تشکل کارگری با نصیحت و روشنگری میسر نیست، ارادی نیست، از ذهن مجرد درمی آید و قانون مادی خود را دارد. هر درجه کارگر با اتکا به مجمع عمومی قدرتمند ظاهر میشود، نمایندگان خود را نیز تحمیل میکند و سطحی از تشکل را در مقیاس فراتر از شبکه های محافل کارگری ایجاد و نهادینه میکند. در همین دوره دستکم شش بار مذاکره و جلسه با نمایندگان کارگران فولاد صورت گرفته است و هر جا نمایندگان کوتاه آمدند یا نتوانستند دقیقاً حرف کارگران را پیش ببرند، کارگر با اتکا به مجمع عمومی و هم اندیشی وارد اعتراض و اعتصاب شده است. مجمع عمومی تصمیم میگیرد که اعتصاب کند یا اعتصاب را تمام کند، کجا رضایت دهد یا رضایت ندهد، کدام تاکتیک را به صدر براند یا از خواستی موقتاً دست بکشد. همه اینها در یک تشکل جاافتاده توده ای کارگری و حین کشمکش کارگر و سرمایه دار رخ میدهد. نماینده در سنت مبارزاتی عمل مستقیم کارگری نه یک بورکرات و نه یک سر جدا از بدنه با تعدادی پوشه و شکایت و وکالت نامه زیر بغل، بلکه سخنگوی لایق تصمیم و اراده و خواست و منافع کارگرانی است که یکپارچه اعتصاب کردند و در مقطعی آنها را بعنوان نمایندگان خود برای مذاکرات جلو فرستاده اند. هر زمان هم تشخیص دهند که نماینده نمیتواند این مهم را پیش ببرد، عزل میشود. مجمع عمومی بالاترین ارگان سنت مبارزاتی شورائی است که در سطوح مختلف تشکیل میشود. در جامعه ای که هیچ نوع تشکلی قانونیت ندارد و تحمل نمیشود، حرف زدن از تشکل و نسخه تشکل پایدار، همان داستان صفر و یک و همه یا هیچ منطق رفرمیستی و توده ایستی و ندیدن پیچیدگی های مبارزه کارگری و اجتماعی در یک تناسب قوای کنکرت است. این دیدگاه یا میگوید کارگران مشغول مبارزه صنفی اند و هنوز ناآگاهند و خود را "مظهر آگاهی و تشکل" میدانند، و البته نه آگاهی و نه تشکل مینیممی میتوانند به طبقه و مبارزه کارگری بدهد، و یا کارگر را در قامت صنف صرفاً مستحق این میدانند که نهایتاً برای اضافه دستمزد مبارزه کند. برای این نوع دیدگاه ها با هر سایه روشنی، سنت های مبارزاتی درون طبقه، سوخت و ساز درون طبقه، گرایشات جاافتاده و مقدم بر احزاب در درون جنبش طبقه، رهبران عملی و

صفحه ۵

بار حق دارند مقابل این روند بایستند. در شرایطی که دستمزدها و قدرت خرید واقعی کارگران نظر به هزینه های زندگی و تورم لجام گسیخته مرتباً کاهش می یابد، کارگران کشور در صنایع مختلف در حاشیه دستمزد مبارزه می کنند. برای همین است که خواست "همسان سازی حقوق ها" و "اجرای طرح طبقه بندی مشاغل" همه جا مطرح است. یا الغای شرکتهای پیمانی از پروسه تامین نیرو و سالهاست که میان کارگران در شاخه های مختلف طرح میشود. دو خواست همسان سازی حقوق ها و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هر کدام بدرجه ای مجموعاً دریافتی کارگر را بالا میبرد. خواست الغای شرکتهای پیمانی به حذف باجگیران واسطه و دلالان کارفرما و سلب مسئولیت شرکتهای واحد از وظایف و تعهدشان در قبال تامین خواسته های کارگران حتی با همان قراردادهای برده وار مرهمی میزند. این مسائل برای کارگر واقعی و مادی است اما برای کسی که از دور به صحنه نگاه میکند و از کارگر انتظار دارد مطابق دنبای فرمولهای وی عمل کند، حتماً خواست خلع ید تناقض دارد. مدافعان این نوع نظریات از سوئی کارگر را در هیئت "صنف" و "مبارزه صنفی" و ارتقا نیافته می بینند که "بطور خودبخودی" مبارزه صنفی برای خواسته های صنفی میکند و هنوز بزعم آنان "آگاهی و تشکل" ندارد تا خواسته های سیاسی را طرح کند، و از سوی دیگر انتظار دارند کارگر با این شرایط آنطور که آنها می فهمند "رهبر مبارزه سراسری" شود. این پاندول شبه اکونومیسم و شبه رادیکالیسم با گروه خون مبارزه واقعی کارگری نمیخواند و بیشتر موضع یک خرده بورژوازی رادیکال است تا یک نقد پیش برنده کارگری و منطبق به مبارزه واقعی کارگری.

خلع ید از کارفرما و دورخیز برای اعمال نظارت بر امور و شرکت کارگر در مدیریت کار و تولید، تلاش برای تغییر مناسبات و توازن قوای کارگر و سرمایه دار و خیل مدیران در محل کار، درخود بسیار مهم و حیاتی است. کارگر همواره از درجه مسائل واقعی روز تلاش میکند شرایط را به نفع خود بهبود دهد و به کارفرما اجازه ندهد هر طور میخواهد عمل کند. این بحثی برسر سمت گیری کارگر به نفع این یا آن جناح و اقشار سرمایه نیست، تحبیب مثلاً سرمایه دولتی به سرمایه خصوصی نیست، بلکه یک تاکتیک مبارزاتی و یک ابتکار کارگری است که معنی اخص اقتصادی ندارد اما همزمان به تامین امنیت شغلی و حقوق و مزایای کارگر و سطح دستمزد و اتحاد کارگر کمک میکند. این تاکتیک و ابتکار کارگری در متن یک شرایط سیاسی ملتهد در جامعه این ظرفیت را دارد که سرعت جایگاه کارگر در کشمکش طبقاتی را تغییر دهد و به کنترل و اتحاد وی بر کل محیط کار کمک شایانی میکند.

قدرت عظیم مجمع عمومی بمنابۀ تشکل پایه کارگری

همین دیدگاه کم و بیش از تشکل کارگری درکی دفتر دستکی و بورکراتیک و غیر واقعی دارد. متأسفانه عمده چپ ایران که در سنت رفرمیستی درجا میزند، اول و آخر تشکل را در سندیکا و ایجاد سندیکا می بیند. بی دلیل نیست که درست در وقتی که کارگر نوب آهن و فولاد و هفت تپه هزاران کارگر را متحد و یکپارچه با اتکا به سنت شورائی و مجمع عمومی بمیدان میکشد، نسخه تشکل سندیکا می پیچد. میگوید "مجمع عمومی تشکل نیست" و راجع به "تشکل پایدار" سخن میگوید. این در حالی است که کل این سنت در چند دهه از توده ایسم و گرایش ناسیونال رفرمیسم تا اصلاح طلب و چپ سندیکالیست نتوانسته یک سندیکای واقعی و توده ای درست کند که حداکثر یکسال ظرف اتحاد و مبارزه توده ای کارگر باشد. این در شرایطی است که مجمع عمومی منشأ سدها و هزاران اعتصاب و اعتراض بزرگ و کوچک کارگری است و

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

در باره تاکتیک خلع ید در فولاد اهواز

سیاوش دانشور

#فولاد_نمیشکند
#خلع_ید_از_بنگاهداران_بانک_ملی
#بازگشت_به_کار_کریم_سیاحی
#کارگر_میمیرد_ذلت_نمیپذیرد

#مرگ_بر_ستمگر_دروغ_بر_کارگر
#کارگران_بیدارند_از_استثمار_بیزارند
#گروه_ملی_فولاد_اهواز



آزیناتورهای کارگری، سازماندهندگان کارگری، اشکالی که کارگر بدلیل تناسب قوا به آن چنگ میزند، و بسیاری مسائل مهم دیگر اصولاً یا وجود ندارند و یا اگر هم وجود داشته باشند در همان شکل "خودبخودی" وجود دارند. این دیدگاهها اصولاً با مکانیسمهای مبارزه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی بیگانه است.

خواست خلع ید از بانک ملی و عزل علی محمدی یک خواست محوری کارگران فولاد است که امروز پرچمدار اعتراضات طبقه کارگر ایران اند. یک فراخوان کارگران فولاد به صنایع فولاد و فلزی و معادن در خوزستان و اصفهان و شهرهای دیگر اینست که علیه فساد و بیعدالتی بپاخیزند. این یک وظیفه بخشهای مختلف کارگری در سراسر کشور است که روی دوش دستاوردها و روش مبارزاتی فولادیها قد علم کنند، این جبهه مهم مبارزه کارگری را ارتقا دهند و تقویت کنند. پیروزی کارگر در هر سنگری پیروزی کل طبقه و شکست در هر سنگری شکست کل طبقه و نیروهای متعلق به این طبقه است. با قدرت و بدون ابهام از خواستههای کارگران فولاد و مبارزه متحدشان دفاع کنیم. خروش فولادیها گوشه‌ای از صحنه‌های پرشکوه میلیونی مبارزه طبقه کارگر برای آزادی جامعه است.

اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب

کمونیست کارگری - حکمتیست

نحوه فعالیت حزب، ضرورت تغییراتی در روش کار و سازماندهی ارگانه‌های حزب، تقویت حزبی و سنتهای کار حزبی و پیشنهاداتی برای رفع کمبودهای کنونی متمرکز بود. تمرکز ویژه و بیش از پیش و اساسی حزب روی جنبش پیش رونده کارگری در همه سطوح از محورهای بود که در این مبحث توسط رفقا از جوانب مختلف تاکید شد.

دستور در باره جنگ اسرائیل در غزه و گسترش فضای جنگی در منطقه را عبدالله دارابی معرفی کرد. در این بحث روی سیاست تاکتونی حزب تاکید شد، در باره تبیین های رایج در باره فضای جنگی و تأثیرات آن در منطقه و سیاست ایران، موقعیت جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی در این جدال، تأثیر بر مبارزه انقلابی و کارگری جاری و چهارچوب سیاست حزب بحث و تبادل نظر شد.

نشست دفتر سیاسی در مورد برگزاری نشست آتی کمیته مرکزی، پلنوم حزب، تصمیمات لازم را اتخاذ کرد.

در دستور قرار و قطعنامه، قراری در باره نشریه کمونیست هفتگی، موازین کار و تعیین یک هیئت تحریریه در فاصله دو پلنوم کمیته مرکزی باتفاق آرا به تصویب رساند.

مبحث پایانی نشست دفتر سیاسی انتخابات بود. برای رئیس دفتر سیاسی سیاوش دانشور باتفاق آرا و برای اعضای هیئت اجرایی همایون گدازگر، صالح سرداری، پروین کابلی، عبدالله دارابی و سعید یگانه باتفاق آرا انتخاب شدند. در نشست کوتاه هیئت اجرایی دفتر سیاسی همایون گدازگر باتفاق آرا بعنوان دبیر اجرایی حزب انتخاب شد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ بهمن ۱۴۰۲ - ۳۱ ژانویه ۲۰۲۴

روزهای شنبه ۲۷ و یکشنبه ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴ برابر با ۷ و ۸ بهمن ۱۴۰۲، جلسه دو ماهه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی، دبیر کمیته مرکزی و حضور رفقای از کمیته مرکزی حزب برگزار شد.

دستورهای مصوب نشست دفتر سیاسی عبارت بود از: ۱- گزارش سیاسی و تشکیلاتی ۲- مروری بر اوضاع سیاسی ایران، وضعیت حاضر، احتمالات پیش رو و تمرکز سیاسی حزب ۳- بررسی موقعیت و فعالیت حزب، کمبودها و چه باید کرد ۴- در باره جنگ اسرائیل در غزه و گسترش فضای جنگی در منطقه ۵- پلنوم حزب ۶- قرار و قطعنامه ۷- انتخابات.

در دستور گزارش، رئیس دفتر سیاسی، دبیر اجرایی، دبیران کمیته های سازمانده و کردستان و تشکیلات خارج، مسئولین تبلیغات حزب و مالی و دفتر مرکزی، رؤس اقدامات سیاسی و تشکیلاتی فعالیت ارگانه‌های حزب را به نشست دفتر سیاسی ارائه دادند. در ادامه این مبحث در مورد نقاط قوت و ضعف، ارزیابی از فعالیتها و فوکوس سیاسی دوره ای حزب تبادل نظر شد.

مبحث مروری بر اوضاع سیاسی ایران، وضعیت حاضر، احتمالات پیش رو و تمرکز سیاسی حزب را سیاوش دانشور معرفی کرد. جهت این بحث بررسی سیاستهای کنونی حزب در دوره انقلابی، مؤلفه های جدید در سیاست ایران و منطقه، تمرکز بیشتر حزب روی قلمروهای اصلی نبرد طبقاتی و پاسخ به نیازهای دوره حاضر بود. دفتر سیاسی در این مبحث با اشتراک نظر بالائی بر جهت سیاست کنونی حزب و نکات مهمی در فعالیت حزب در داخل و خارج تاکید کرد.

مبحث بررسی موقعیت و تمرکز فعالیت حزب، کمبودها و موانع را همایون گدازگر ارائه کرد. این بحث به عدم تطابق نیازهای دوره و

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



کشور باید به سرنوشت افغانستان، عراق، لیبی و سوریه دچار شود؟

در این میان نقش اپوزیسیون دست راستی ایرانی، ناسیونالیسم پرو غرب، سلطنت طلبان در تحریک جنگ بسیار کثیف و گویاست. این مزدوران عملا از آمریکا و اسرائیل درخواست بمباران و حمله نظامی به ایران می کنند. شرکت پر حرارت این اپوزیسیون با پرچم های شیرو خورشید در تظاهرات پرو اسرائیل نقش و جایگاه این نیروی متحجر، مرتجع و مزدور را بخوبی آشکار می کند.

این دار و دسته ماهیت کثیف خود را کاملا آشکار کرده اند. روشن است که اینها امیدی به اینکه یک روز با خواست مردم چه از طریق انقلاب یا انتخابات آزاد به سر کار بیایند، ندارند. به روشنی دیده اند که چگونه خیزش انقلابی مردم دست رد به سینه شان زد. ما گفته بودیم که این اپوزیسیون دست راستی فقط از طریق کودتاهای رژیم چنی می تواند به قدرت برسد. خودشان هم می دانند. امیدشان اینست که آمریکا و غرب به ایران حمله کند و راه قدرت گیری آنها را باز کند. باید چهره و ماهیت این مزدوران را وسیعا آشکار کرد. اینها دشمنان مردم اند. ویرانی جامعه و فلاکت مردم را دارند از آمریکا و اسرائیل با التماس درخواست می کنند. افغانستان، عراق، لیبی و سوریه جلوی چشم شان است و با این وجود به آمریکا و اسرائیل التماس می کنند که به ایران حمله کند.

دنیا در یک پیچ خطرناک قرار گرفته است. خطر جنگ و ویرانی گسترده تر دنیا را تهدید می کند. ارتجاع جنایتکار تمام رخ در مقابل جامعه ایستاده و می تازد. سازماندهی یک جنبش اعتراضی رادیکال و وسیع برای عقب نشاندن این تعرض وحشیانه تنها راه مقابله با این جنگ طلبی است. باید کوشید جنبش گسترده و جهانی که در دفاع از مردم فلسطین و در محکومیت اسرائیل و تروریسم دولتی غرب به میدان آمده محکم و استوار به مبارزه خود ادامه دهد.



پاسخ غرب به دادگاه بین المللی: انتقام از

مردم غزه

خطر گسترش جنگ

طبق گزارش فرانچسکا آلبانز، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد: "روز بعد از آنکه دادگاه بین المللی دادگستری اعلام کرد اسرائیل احتمالا دارد در غزه نسل کشی می کند، چند حکومت تصمیم گرفتند که سهمیه خود را به صندوق کمک های سازمان ملل به فلسطین قطع کنند."

جلوگیری از ورود آب و غذا به غزه یکی از دلایل اتهام نسل کشی به اسرائیل است؛ در نتیجه دولتهای غربی، منجمله آمریکا و بریتانیا تصمیم گرفتند که برای کم کردن گناه اسرائیل، خودشان عملا جلوی دسترسی مردم غزه به غذا و نیازهای اولیه را بگیرند. این دولت ها با این عمل کار اسرائیل را آسان کردند. دیگر لازم نیست اسرائیل از ورود غذا جلوگیری کند، اصلا غذایی نخواهد بود که اسرائیل بخواهد مانع ورود آن شود. این پاسخی است که قدرت های بزرگ "نظم جهانی" به حکم دادگاه دادگستری بین المللی داده اند. آنها دارند از دادگاه و حامیانش انتقام می گیرند. باید توجه داشت که این حکم حتی اسرائیل را محکوم نکرده است؛ فقط توصیه کرده که از نسل کشی ممانعت کند.

نسل کشی اسرائیل در غزه بسیاری از ماسک ها را درید. پرده از روی حقایق کنار زد. تمام برج "تمدن و حقوق بشر و آزادی و دموکراسی" حکومت های غربی فرو ریخت. گویی هر بمبی که اسرائیل بر سر مردم غزه فرو می ریزد، هر کودکی که تکه پاره می کند، هر بیمارستانی که با خاک یکسان می کند، ترکش های آن به برج تمدن دروغ و فریب حاکمان نظم جهانی اصابت می کند. هیات حاکمه آمریکا و دولت های غربی اقیانوس شده اند. از پس از جنگ دوم جهانی هیچگاه این چنین فضای بی اعتمادی به هیات حاکمه و روایت حاکم در جوامع غربی وجود نداشته است. اغراق نمی کنیم. موضوع اجلاس اخیر مجمع اقتصادی جهانی در داون "بازسازی اعتماد" بود. بازسازی اعتماد جامعه و شهروندان به دولت ها.

تمام حباب ایدئولوژیک هیات حاکمه غرب ترکیده است. قدرت را کاملا در دست خود متمرکز کرده اند؛ سرکوب و سانسور را بشدت افزایش داده اند. تمام رسانه ها کاملا تحت کنترل است ارزش هایی که به آن می بالیدند: دموکراسی، آزادی، بشردوستی، تمدن، جملگی آنچنان نخ نما شده که فقط "امپراطور" نسبت به آن متوهم است. همه می ببینند و بعضا فریاد می زنند که "امپراطور برهنه است" اما فعلا گوشه بدبهار نیست. نه تنها اشغال و تصرف کامل غزه عملا دارد به پایان می رسد؛ گسترش جنگ برنامه و هدف آمریکا و دولت های ناتو است. عملا دارند شرایط جنگی را در اروپا نیز برقرار می کنند. دولت سوئد از خطر جنگ صحبت می کند؛ فنلاند سربازگیری اجباری و همگانی را تصویب کرده است؛ دولت بریتانیا دارد از ضرورت سربازی اجباری صحبت می کند.

در پی گسترش جنگ در منطقه، حمله به ایران یکی از احتمالات است. بخشی از هیات حاکمه آمریکا بر طبل جنگ و حمله به ایران می کوبد. این جنگ اسرائیل نیست، این جنگ آمریکا و تروریسم دولتی است که اسرائیل به پیش می برد. اگر آمریکا کمک خود را به اسرائیل قطع کند اسرائیل قادر نیست یک روز به جنگ ادامه دهد. شرایط بسیار خطرناک است. این بار کدام



اعلامیه حزب حکمتیست

اعتصاب فولاد، توافقی محدود و بازگشت به کار، ادامه اعتصاب کارگران شفق



بدون اطلاع اکثریت کارگران توسط نمایندگان به امضا رسیده است. این مهمترین نقطه ضعف در مهمترین لحظه اعتصاب است و می بایست قبل از امضا به توافق و رای کارگران در همین مقیاس میرسد.

همین سطح از توافق و عقب نشینی کارفرمایان حاصل اعتصاب و اتحاد گسترده ای بود که شکل گرفت و به صحنه آمد. روشن است هر اعتصاب کارگری از صفر تا صد خواستها را محقق نمیکند و جایی را بعنوان پیروزی و بازگشت به کار در نظر میگیرند. اما هر توافقی باید مشروط باشد و در هر مرحله ضعف های دوره قبل پوشانده شود. خواست بازگشت به کار آقای کریم سیاحی با وعده و پادرمیانی موقتا به تحسن ایشان مقابل درب شرکت پایان داد. توافق قبلی استانداری با گروکشی علی محمدی به اعتصاب همه بخشها از سه شنبه تا دوشنبه شب منجر شد. توافق کنونی نیز باید مشروط به زمان اجرا باشد و خواستهای دیگر پی گرفته شود. بویژه تنها نماندن کارگران شفق و غیر قابل تفسیر کردن مفاد توافق و همینطور روش کار نمایندگی باید تصریح شود. کارگر و نماینده موقت کارگر میتواند محافظه کار یا محدودبین یا تندرو و بدبین باشد، میتواند تطمیع شود یا در مقابل تهدید دوام نیاورد. اصل اینست که هیچ توافقی بدون رای کارگران قابل قبول نیست و هیچ نماینده ای نباید چنین حقی را داشته باشد که به تنهایی از جانب کارگران پای توافقی به اسم هزاران کارگر برود. اینها موضوعاتی هستند که ضروری است در اجتماعات هم اندیشی و مجامع عمومی کارگران مورد بررسی و تصویب قرار بگیرند و حدود و ثغور اختیار نمایندگان کارگری تصریح شود.

کارگران فولاد با اتحاد و خروش گسترده نشان دادند که بسان کوره گداخته فولاد هر زمان این ظرفیت را دارند که قد علم کنند و کابوس سرمایه داران مفتخور شوند. توافقات دو مرحله اخیر و موئی از خرس کندن های تاکنونی نیز تماما محصول این اتحاد قدرتمند کارگری است. هر عقب نشینی کارفرما نتیجه اعتراض و اعتصاب متحد کارگران است. مبارزه کارگری و درافتادن با این مافیای لاشخور و باند های امنیتی امر ساده ای نیست. نباید اجازه داد نارضایتی کنونی و بحق بخشی از کارگران کمترین سایه ای روی این نقاط قدرت گروه ملی فولاد بیاندازد، برعکس، باید راه های سازش و تطمیع و اعمال فشار روی نمایندگان را بست و این شمشیر را روی سر کارفرما نگاهداشت که چنانچه زیر توافق بزند و باز به سیاست حقه بازی و گروکشی رویبورد با اعتصاب و اعتراض کوبنده روبرو خواهد شد.

اعتصاب کارگران فولاد تا هم اکنون درسهای درخشانی برای طبقه کارگر و دیگر بخشهای کارگری دارد. این اتحاد را باید تقویت و پاس داشت و بر ضعف ها و کمبودها فائق آمد. در حال حاضر باید از اعتراض کارگران شفق حمایت کرد. اعتصاب به هر درجه ای ادامه یابد، اعتصاب گروه ملی است و هر زمان بخشهای دیگر میتوانند به آن بپیوندند.

درو بر رزم و اتحاد کارگران فولاد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ بهمن ۱۴۰۲ - ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

کارگران فولاد با قدرت و اتحاد تحسین برانگیزی تا روز دوشنبه ۹ بهمن ماه اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی در شهر اهواز را ادامه دادند. همزمان با اعتصاب مذاکرات نمایندگان کارگران با کارفرما و مسئولین به تناوب ادامه داشت. یک تلاش کارفرما و عوامل بانک ملی و علی محمدی همراه با نیروهای امنیتی و استنادار، اعمال فشار به نمایندگان برای خاتمه اعتصاب با معرفی طرح توافقی جدیدی در باره خواستههای کارگران بود. یکشنبه شب ۸ بهمن ماه علی محمدی نمونه فیش های حقوقی ای را منتشر کرد که در آن آیتم های حقوقی سابق که فریز شده بودند با محاسبات جدیدی مجددا احیا شدند و اعلام شد که از ابتدای دیماه محاسبه شده و شامل کلیه کارگران فولاد اعم از قراردادی و پیمانکاری میشود. همینطور طرح توافقی در باره همسانسازی حقوق ها و طرح طبقه بندی مشاغل مطرح شده که مبهم است و این فرصت را به کارفرمایان میدهد که مجددا زیر آن بزنند و یا مانند موارد قبل اجرا نکنند. این چهارچوب مورد قبول بخشی از نمایندگان کارگران قرار میگیرد و نهایتا زیر فشار کارفرمایان توسط نمایندگان کارگران امضا میشود. توافق به پایان اعتصاب و خواست ادامه اعتصاب، نوعی دودستگی میان کارگران ایجاد کرد و کارفرمایان موفق شدند که شیفت شب گروه ملی را دوشنبه شب به سر کار برگردانند.

کارگران پیمانکاری شفق که خواست محوری آنها یعنی تغییر وضعیت از پیمانی به قراردادی محقق نشده است، امروز سه شنبه ۱۰ بهمن ماه دست به اعتصاب و تجمع مقابل درب شرکت زدند. با تضعیف جمعیت اعتصابی و موقعیت ضعیف تر کارگران پیمانی، مدیریت و حراست شرکت تعرضی شدند و کارگران شفق را تهدید به اخراج جمعی کردند اما کارگران پیمانی شفق امروز سر کار بازنگشتند و به اعتصاب ادامه دادند.

واقعیت اینست که خواستههای کارگران فولاد طی دو سال گذشته و بمناسبت های مختلف طرح شده است. نمایندگان کارگران بارها با مدیریت نشست داشتند و جوابی نگرفتند و سیاست مدیریت وقت کنشی و سردواندن کارگران بوده است. اعتصاب اخیر شکل گرفت که به این پروسه باطل پایان داده شود اما اینبار نیز مرتبا علی محمدی و بانک ملی با طرحهای مختلف و دعوت به نشست و وعده و وعید همراه با تهدید سعی کردند زودتر اعتصاب را تمام کنند. بالاخره اعتصاب در مقیاس وسیع در دو هفته قبل را توانستند بکبار با دادن "حق الحساب" متوقف و با گروکشی شکایت از میزان آن در بحث همسان سازی کم کنند و نهایتا بدنبال اعتصاب مجدد و گسترده کارگران با عقب نشینی در مواردی و وعده اجرای مابقی موارد، اعتصاب هفته اخیر را مهار کنند. با اینحال هنوز خواستههایی مانند بازگشت به کار کریم سیاحی و همکاران اخراجی، همسان سازی حقوق ها با فولاد اکسین که در حال حاضر تفاوتی پانزده الی بیست میلیونی بین آنها وجود دارد، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بدون حقه بازی، موضوع قراردادی شدن کارگران شفق و تامین امنیت شغلی آنها در توافق کنونی ناروشن است.

اعتصاب اخیر فولاد بعد از طی مسیرهای مختلفی شکل گرفت و نارضایتی عمومی کارگران و تکیه بر خرد جمعی و مجمع عمومی موجب شکلگیری اتحاد گسترده بیش از سه هزار کارگر مجتمع فولاد شد. توافق کنونی که حاوی ناروشنی و ابهاماتی است که راه دبه درآوردن را مجددا برای کارفرما باز میگذارد، این اتحاد را شکست و

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

پیام قاطع جنبش کارگری ایران به رژیم اسلامی سرمایه داری

ایستاده ایم تا پایان! ما فولاد گداخته‌ایم!

می‌کنیم. کارگران ایران خود بروشنی میدانند، مادام که این مبارزات پراکنده اما مهم، نتواند به یک مبارزه سراسری و هماهنگ تبدیل شود و موجبات یک اعتصاب عمومی سیاسی را فراهم کند، طبقه سرمایه دار و رژیم حامی آنها، این امکان را دارند که خود را هر بار از زیر فشار این جنبش خارج کنند و حتی بخش‌های مختلف طبقه کارگر را جدا جدا سرکوب نمایند. بنابراین یکبار دیگر ضمن تاکید بر شعار تاریخی "چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است" از همه فعالین کارگری و تشکل‌های مستقل کارگری در ایران می‌خواهیم که از طریق همکاری و هماهنگی با یکدیگر، تلاش کنند تا این مبارزات، هرچه سراسری‌تر، وسیع‌تر و سازمان یافته‌تر به پیش رود.

زنده باد جنبش کارگری ایران!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

9 بهمن 1402
29 ژانویه 2024

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



زنده باد شوراها!

ارگانه‌های اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه‌ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

روز یکشنبه هشتم بهمن ماه، شاهد برگ درخشان دیگری از مبارزات طبقه کارگر ایران علیه رژیم استبدادی و سرمایه داری جمهوری اسلامی بودیم. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در ادامه مبارزات هفته‌های اخیر خود که تلفیقی از اعتصاب، برگزاری مجمع عمومی در کارخانه و برپایی تجمع در مقابل استانداری و بانک ملی بود، این بار مارش وسیعی را در خیابان‌های شهر اهواز سازماندهی کردند. کارگران ضمن اعتراض به عدم تحقق خواسته‌های صنفی و معیشتی خویش، با طرح شعارهای اجتماعی و سیاسی نشان دادند که مشکلات خود و کشور را وسیع‌تر از تحقق این یا آن مطالبه صنفی می‌بینند.

این حرکت پرشور با راهپیمایی از محل ساختمان استانداری به سمت فرمانداری اهواز و سپس ساختمان مرکزی بانک ملی استان ادامه یافت. کارگران اعتصابی گروه ملی صنعتی فولاد ایران، با تجمع مقابل ساختمان مرکزی بانک ملی استان خوزستان، با سردادن شعارهایی، اعتراض خود را به بی‌توجهی بانک ملی نسبت به خواسته‌های خود نشان دادند. آن‌ها به‌طور شفاف به رژیم و مقامات بانک ملی که عهده دار اداره این شرکت هستند، هشدار دادند: «ما را محک نزنید، ما فولاد گداخته‌ایم!»

راهپیمایی اعتراضی کارگران گروه ملی صنعتی فولاد در خیابان‌های مرکزی اهواز ادامه یافت. در خیابان نادری، کارگران شعار می‌دادند: «ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد، می‌جنگیم میجنگیم». آنها سپس از چهارراه نادری به طرف بازار و خیابان امام راهپیمایی کردند.

در شعارهای کارگران، تاکید بر ایستادگی آن‌ها تا تحقق مطالباتشان، اعتراض به بی‌آبی در اهواز و همچنین امتناع از شرکت در انتخابات قلابی حکومت برجسته بود: «عدالتی ندیدیم، ما دیگه رای نمی‌دیم». کارگران همچنین با سر دادن شعار "مشکل ما همینجاست، دروغ می‌گند آمریکاست"، بروشنی، سیاست خارجی ویرانگر رژیم و استفاده ابزاری آن از بحران‌های خارجی و منطقه‌ای برای سرپوش گذاشتن بر ریشه‌های اصلی بحران در داخل کشور را افشاء کردند.

مبارزه درخشان کارگران فولاد ملی اهواز و نیز اعتصابات و تجمعات اعتراضی پی در پی کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی به ویژه کارگران پیمانی و ارکان ثالث در تعداد زیادی از شرکت‌ها و محیط‌های کار در جنوب و جنوب غربی ایران به خصوص منطقه صنعتی پارس جنوبی و نیز اعتراضات هفتگی بازنشستگان در شهرهای مختلف، نشان می‌دهند که پس از سرکوب فاشیستی و خونین خیزش انقلابی ژینا، شاهد عروج مجدد جنبش کارگری در ایران هستیم.

بر طبق برآوردهای اولیه، در ده ماهه اول سال جاری خورشیدی، بیش از 2500 حرکت اعتصابی و اعتراضی رخ داده است که بیش از هزار مورد مربوط به کارگران صنعتی، بیش از هزار مورد مربوط به بازنشستگان، بیش از هفتاد مورد مربوط به معلمان و بیش از هشتاد مورد مربوط به پرستاران و پرسنل سیستم درمانی بوده است.

ما ضمن استقبال از گسترش جنبش کارگران و زحمتکشان ایران، بار دیگر بر ضرورت سازماندهی، تشکل‌یابی محلی و سراسری و نیز ضرورت همبستگی و همکاری بخش‌های مختلف طبقه کارگر تاکید

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



افشاء کرد و نشان داد که آنها صرفاً از تروریسم دولتی به رهبری آمریکا تبعیت می کنند، که بمدت بیش از دو دهه میلیون ها نفر را در خاورمیانه قتل عام کرده، میلیون ها نفر دیگر را مجروح و معلول ساخته و میلیون ها نفر را آواره کرده است. بعلاوه، پادمان نرود که تمام این هیولاهای اسلامی که منطقه را می درند، دست ساز آمریکا و غرب اند: از جمهوری اسلامی تا مجاهدین، طالبان، القاعده، حماس و داعش.

اگر بعنوان یک سکولاریست به اصل انسجام و انصاف تعهد داریم، نمی توانیم فقط به یک مذهب و جنبش مذهبی، تند و با حرارت حمله کنیم و دیگری را در سکوت و آرامش رها نماییم. انسان نیازمند است که کمی به عقب برود و به تصویر بزرگ بنگرد تا عمق و کارکرد این روایت دروغین را در ویرانی خاورمیانه در قرن ۲۱ دریابد. انسان های به خاک و خون غلطیده، خانه ها و شهرهای به تلی از خاک بدل شده بما چشم دوخته اند.

آذر ماجدی - سازمان آزادی زن
هما ارجمند - هماهنگ کننده کمپین بین المللی یک نظام آموزشی سکولار و هماهنگ کننده کمپین بین المللی دادگاه شریعه در کانادا
هلاله طاهری - رئیس بنیاد زن و جامعه

۲۵ ژانویه ۲۰۲۴



نامه سرکشاده به نهادهای سکولار در غرب

یا در کنار عدالت می ایستیم یا نسل کشی؟

تاریخ قضاوت خواهد کرد!

لحظاتی در تاریخ هستند که عمل و کلام انسان دورانساز می شود و سکوت آنچنان گوشخراش که قلب و ذهن را به درد می آورد. اکنون در چنین لحظه ای قرار داریم. تمام انسان دوستان، آزادیخواهان، کسانی که به اخلاقیات انسانی پایبندند علیه نسل کشی در غزه صریح و رسا سخن گفته اند و اسرائیل و متحدین غربی آنرا صریحاً محکوم کرده اند؛ اما جنبش سکولار در غرب در بهترین حالت هیچ نگفته و در بدترین حالت فقط از جان اسرائیلی ها دفاع کرده است.

اگر در سالهای ۱۹۳۰ انسان می توانست ادعا کند که از نسل کشی بی اطلاع بوده است، امروز چنین عذری پذیرفته نیست. برای اولین بار در تاریخ، بشریت دارد یک نسل کشی را بطور زنده بر روی صفحه تلفن تماشا می کند. هیچ توجیهی برای سکوت و بی عملی وجود ندارد.

چگونه کسی که مدعیست از "یک دنیای آزادتر و منصفانه تر" دفاع می کند و معتقد است "سکولاریسم یک اصل حیاتی برای تامین آزادی و حفظ حقوق بشر و یک جامعه باز و منصف است"، می تواند قتل عام کودکان را ببیند و هیچ نگذرد. این ریاکاری مُسَلَّم است! آنچنان تیز و زمخت است که هر نوع حجاب مدنیت، انصاف، انسانیت و خرد را می درد.

چگونه کسی که به انصاف، انساندوستی و خرد خود مفتخر است می تواند سکوت اختیار کند؟ در برابر ویرانی یک جامعه، با خاک یکسان شدن بیمارستان ها و ترک نوزدادن زودرس در اینکیوبیتر زیر بمب، و در برابر ویرانی ۳۵۰ مدرسه و ۴ دانشگاه سکوت مطلق اختیار کند؟ سی هزار نفر زیر بمباران و تحت گرسنگی و بی آبی قتل عام شده اند که ده هزار نفر آن کودک اند؛ شرمناک است! با اینکار به پای خود تیر می زنید. هر نوع اعتباری را از دست داده اید.

چگونه می توانید مدعی سکولاریسم منسجم باشید و فقط یک مذهب را مورد نقد و حمله قرار دهید و به دیگری حتی یک کلام ناخوشایند نگویید؟ یک جنبش مذهبی و یک دولت را محکوم کنید و دیگری را به حال خود رها کنید؟ انصافی که به آن مفتخرید چه شد؟ روشن است به چه افقی متعهدید.

در دو دهه اخیر صدها صفحه در نقد اسلام نوشته و صدها سخنرانی ایراد شده است؛ جنبش های اسلامی و تروریسم اسلامی بارها و بارها محکوم شده است، دولت های اسلامی به همین منوال. این قطعا مثبت است. اما حتی یک نقد ناچیز از مذهب یهود یا دولت یهودی اسرائیل بگوش نرسیده است. دولت یهودی اسرائیل فلسطینی ها را با کلام و سمبل های تورات قتل عام می کند و شما هیچ نمی گوئید.

این نقض اصولیت و عین ریاکاری است. پرده ها از روی روایت ساختگی و هدف سیاسی - ایدئولوژیک پشت این روایت دریده شده است. نسل کشی در غزه تمام این جنبش ها و نهاد هایی که ماسک انسانیت و ارزش های پیشرو بر صورت داشتند را بعنوان مُتَقَلَب

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



باشد. ۱۶ سال قبل ما به عنوان یک عده مارکسیست دو آتشه پا به انقلاب گذاشتیم. امروز، بعد از این همه سال و این رویدادهای مهم در ایران و جهان، وقتی نگاه میکنم خودم را مارکسیست پافشارتر و بی تخفیف تری میبینم. اتکاء و اعتمادم به مارکسیسم و صحت تحلیل و متدش و به ارزشش در

مبارزه برای سعادت بشر به مراتب بیشتر شده است. اگر انقلاب ۵۷ سهمی از این لحاظ داشت این بود که کمک کرد تفاوت‌های سیاسی و فکری خود را با خطوط دیگر و تعابیر دیگر بهتر درک و بیان کنیم.

البته از نظر سیاسی و عملی، آموزشهای تجربه انقلاب ۵۷ غیر قابل انکار است. انقلاب همه را به معنی واقعی کلمه وارد عالم سیاست کرد. خیلی مفاهیم و مقولات تجریدی، مثل دولت، انقلاب، حزب، طبقه، بحران، رفم، راست، چپ و غیره برای توده وسیع فعالین سیاسی آن دوره بطور زنده و ملموسی معنی شد. بنظر من انقلاب ۵۷، علیرغم عاقبت سیاسی تلخش، کل جامعه و نیروهای سیاسی آن را وارد فاز جدیدی از پختگی و بلوغ کرد. و این فقط منحصر به چپ‌ها نبود. من این را بویژه در حرکت خودمان هم مشاهده میکنم. تا آنجا که به برنامه ما برای جامعه برمیگردد میتوانم بگویم اساس کمونیستی برنامه ما پابرجا مانده است، اما ابعاد مختلف و جزئیات آن به تناسب اوضاع و عمیق تر شدن نگرش سیاسی جنبش ما دقیقتر و جامع تر شده است. مقایسه اصول برنامه اتحاد مبارزان کمونیست در سال ۶۰ و برنامه حزب کمونیست، چندی بعد از آن، با برنامه امروز حزب کمونیست کارگری که همین روزها منتشر میشود این را بخوبی نشان میدهد. جنبش ما، بعنوان یک حرکت کمونیستی خاص در جامعه ایران در این یک و نیم دهه مراحل مختلفی را طی کرده و طبعاً امروز با مسائل دیگری روبروست. ما با این هدف شروع کردیم که در تمایز با چپ خلق گرا و ناسیونالیست ایران در مقطع انقلاب ۵۷، یک قطب مارکسیست و انترناسیونالیست ایجاد کنیم و این قطب را به بستر اصلی حرکت کمونیستی رادیکال در کشور تبدیل کنیم. ما این را ابزار دخالت مستقل کارگر در سرنوشت خویش و سرنوشت سیاسی جامعه میدانستیم و میدانیم. پیشروی‌های مهمی کردیم. در مدت کوتاهی حزب کمونیست ایران تشکیل شد که برای دوره ای چندین ساله یک قطب مهم در چپ رادیکال کشور را تشکیل میداد. گام بعدی، که با سقوط اردوگاهها و قطبهای سوسیالیسم غیر کارگری در سطح جهانی مصادف بود، ایجاد یک صفتبندی کمونیستی کارگری بود که بتواند نه فقط این دوره سخت و این تعرض وسیع جهانی به آرمان سوسیالیسم را پشت سر بگذارد، بلکه مسیری که در جهت ایجاد حزب کمونیستی طبقه کارگر در ایران طی کرده بودیم را ادامه بدهد. حزب کمونیست کارگری محصول این حرکت است. خلاصه کلام، همه اینها یعنی اینکه موقعیت و مسائل امروز ما با آن دوره فرق میکند. آرمانها و اهداف همانهاست، اما موقعیت عینی جامعه و جنبش تفاوت کرده است.

راه آزادی: اگر با تجربه، درک، و شناخت امروزی بار دیگر در برابر حوادث تاریخی بهمن ۵۷ و پس از آن قرار بگیرید، چه موضعی اتخاذ میکنید. به دیگر سخن اگر تاریخ را به عقب برگردانیم برخورد شما به حوادث مشخص و اصلی این دوره چیست؟

منصور حکمت: اگر چرخ کل تاریخ و از جمله سطح جنبش خود ما بعقب برگردد و در شرایط عیناً نظیر آن روز قرار بگیریم، طبعاً کار اساساً متفاوتی نمیشد در دستور گذاشت. ایجاد یک قطب مارکسیست، ایجاد یک حزب کمونیست کارگری و تضمین دخالت مستقل طبقه کارگر در حیات سیاسی جامعه، همین پروژه باید دنبال میشد. با شناخت و تجربه امروز شاید میشد این پروژه را سریع تر و موثرتر و بی درد سرتر جلو برد. در یک مورد خاص بنظر من نادرست عمل کردیم. به این برمیگردم، فقط اجازه بدهید اول یک نکته را تاکید کنم.

اساس برنامه کمونیستی ما پابرجا مانده است

منصور حکمت

آنچه میخوانید پاسخ منصور حکمت به دو سوال کتبی راه آزادی، نشریه حزب دموکراتیک مردم ایران، است که در شماره ۳۹ این نشریه (بهمن و اسفند ۷۳) به چاپ رسیده است. ما این متن را به نقل از راه آزادی در این شماره انترناسیونال آورده ایم. از سایر جریانات اپوزیسیون پاسخ‌های سیروس آموزگار، حسن شریعتمداری، مهدی فتاپور، علی کشتگر، حسن ماسالی، احمد مدنی، علی میرفطروس، و حسن نزیه نیز در همان شماره راه آزادی درج شده است.

راه آزادی: تأثیرات انقلاب بهمن ۵۷ و حوادث سالهای پس از آن بر تفکر و عمل سیاسی شما و یا نیرویی که آن را نمایندگی میکنید کدام است؟ به عبارت دیگر ایدئولوژی و اندیشه سیاسی و عملکرد امروزی شما و برنامه شما برای آینده جامعه تا چه اندازه تحت تأثیر تجربه انقلاب و سالهای پس از آن دستخوش تغییر شده است. اصلی ترین عرصه‌های این تغییرات کدامند؟

منصور حکمت: مقدمتاً لازم است اشاره کنم که انقلاب ۵۷ حتماً، همانطور که گفتید، از نقطه نظر سیر تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران رویدادی بسیار تعیین کننده بود، اما اگر صحبت بر سر تحول در «ایدئولوژی و اندیشه» فرد در طول یک دهه و نیم گذشته باشد، آنوقت دیگر انقلاب ۵۷ این جایگاه ویژه را پیدا نمیکند. در طول همین دوره تعرض وسیع راست نو با دامنه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بسیار گسترده ای در مقیاس جهانی جریان یافت، انقلاب تکنولوژیکی و انفورماتیک عظیمی صورت گرفت، در این سالها شاهد کور شدن افق توسعه جهان سوم و از نفس افتادن جنبشهای خلقی ضد امپریالیستی بودیم، عروج مجدد مذهب، و نه فقط اسلام، در صحنه سیاسی را تجربه کردیم، و بالاخره از همه مهم تر سقوط خیره کننده بلوک شبه سوسیالیستی شرق، پایان جنگ سرد و زیر و رو شدن کلیه معادلات جهانی پیشین را ناظر بوده ایم که هنوز ادامه دارد. عنوان «انقلاب ۵۷» و رویدادهای پس از آن «قالب تنگی برای توصیف این یک دهه و نیم است. طبعاً هیچکس همان آدم ۱۶ سال قبل نمانده است، اما جدا کردن و سخن گفتن از تأثیرات انقلاب ۵۷ در این میان بنظر من نه آنقدرها گویاست و نه چندان ساده.

من و بعضی از رفقای که با هم هسته اولیه اتحاد مبارزان کمونیست را در اوان انقلاب ایجاد کردیم، یک عده مارکسیست به معنی کلاسیک کلمه بودیم. مارکسیسم قبل از استالین، قبل از مائو، مارکسیسم قبل از پیدایش کمونیسم ملی و جهان سومی و ضد امپریالیستی و یا دانشجویی و دانشگاهی. بعلاوه ما در سنت های اصلی اپوزیسیون آن روز ایران، حزب توده و جبهه ملی و مشی چریکی و غیره ریشه نداشتیم، بلکه بیشتر محصول مباحثات و فعل و انفعالات مارکسیستی جاری در اروپای غربی و از آن مهمتر محصول یک بازخوانی مستقیم آثار خود مارکس و لنین بودیم. فکر میکنم هیچکس اصول اعتقادی اصلی خود در زندگی را، مثل اعتقاد به برابری و آزادی انسانها، اعتقاد به ضرورت ایجاد یک جامعه انسانی و عادلانه و غیره را ابتدا بساکن از کتاب و مطالعه بدست نمیآورد. اما تفسیری که هر کس بر اصول اعتقادی خودش و مقولاتی مثل همین برابری و آزادی و غیره میگذازد، دیگر محصول مکاتب و گرایشات و سنتهای فکری و سیاسی جاری در جامعه است. ما هم تفسیر آزادی خواهی و مساوات طلبی ما را مستقیماً از مارکس و لنین گرفتیم و نه از مجرای یک انتقال تدریجی از امام حسین به مائو و یا از مصدق به چه گوارا. تاریخ سیاسی معاصر ایران منشاء اندیشه سیاسی و یا رادیکالیزاسیون ما نبود. لاجرم انقلاب ۵۷ هم با همه اهمیتش نمیتوانست، شاید بر خلاف تجربه برخی فعالین کمونیست دیگر، منشاء تحولی در اعتقادات بنیادی و جهان نگرایی ما

میکردیم. توان و نیرویی که در آن ماجرا از دست دادیم به مراتب از آنچه باقی ماند بیشتر بود. انسانهای عزیز و کمونیستهای فوق العاده برجسته و مستعدی از دست رفتند. چه در قلب تک تک ما و چه در عرصه سیاسی و مبارزاتی هنوز این حفره ها پر نشده و بنظر من هرگز نمیشود. مهم ترین عامل در پروسه تاریخی، خود انسان است و هر فرد نقش ویژه و غیر قابل جایگزینی ای میتواند در این پروسه بازی کند. گمان میکنم درسی که از اینجا گرفتیم در روش برخورد بعدی ما به مبارزه مسلحانه در کردستان و به فعالین این عرصه در گره گاههای بعدی، مثل مقطع صلح ایران عراق و بعد جنگ آمریکا و عراق، نقش مثبت بازی کرد.

و اما اگر تاریخ به عقب برگردد و ما نه فقط با شناخت و تجربه امروز، بلکه همچنین با حزب و توان امروزی جنبش مان در موقعیتی مشابه آن روز قرار بگیریم، بنظر من داستان از اساس چیز دیگری میشود. یک فرصت یکی دو ساله در شرایط عدم انسجام طبقه حاکم و نیروهای ارتجاعی، یک جامعه متحول و تشنه سیاست، و یک صف کمونیستی کارگری متشکل و مجرب و فهیم، یک برنامه سیاسی آماده و از پیش معلوم، ... خیلی کارها میشود کرد.

منصور حکمت

اولین بار در بهمن ۱۳۷۳ در نشریه راه آزادی شماره ۳۹

و پس از آن در تیر ۱۳۷۴، ژوئن ۱۹۹۵، در انترناسیونال شماره ۱۸ منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۲۴۵ تا ۲۶۹

اساس برنامه کمونیستی ما پابرجا مانده است

منصور حکمت

نمیدانم امروز چند حزب و سازمان و جریان میشود پیدا کرد که بتواند مثل جریانی که من به آن تعلق داشته ام به سالهای انقلاب ۵۷ نگاه کند و مواضع و سیاستهایش در قبال حوادث مشخص و اصلی آن دوره را همچنان معتبر و سرفرازانه بیابد. ما از قبل از قیام نسبت به ماهیت ارتجاعی رژیم اسلامی و همه جناحهای هشدار دادیم و آن را افشاء کردیم. ما در تمام مراحل، رفتارندم، اشغال سفارت، جنگ، غیبه و غیره، علیه موج توهمات و سازشکاری ها نسبت به رژیم اسلامی ایستادیم. از آزادی بی قید و شرط حقوق فردی و مدنی و سیاسی در جامعه، از برابری زن و مرد، از دولت غیر مذهبی و جامعه سکولار و از حقوق و مطالبات پیشرو کارگری دفاع کردیم. ما جلوی حمله رژیم به کردستان ایستادیم و از حق جدایی مردم کردستان دفاع کردیم. گره گاه مهمی در آن تاریخ نیست که امروز فکر کنم موضع ما در آن یک موضع کمونیستی و آزیخواهانه و برحق نبود و امروز باید در پرتو دیگری به مساله نگریم.

عرصه ای که بنظر من با عقل امروز میشد بهتر عمل کرد، عکس العمل سازمانی ما به موج سرکوب ۳۰ خرداد بود. ما به فعالیت سیاسی و سازمانی مان در آن دوره شدت دادیم. و تازه ما جزو بخشهای عاقل تر و غیر احساساتی تر چپ در آن مقطع بودیم. بنظر من مبیایست یک عقب نشینی منظم و متین میکردیم و خودمان را برای مراحل بعدی حفظ

مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می دهند. مردم را میترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است.

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات میگیرد، پول می گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام میشود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می کنند محصولش را بفروشند. سعی می کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه باختر کربلاست.

این یک صنعت عظیم خرافه پراکنی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است.

و اگر شما یک جامعه آزاد می خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپانی های سودجویی مقابله میکنید که میدزدند و میبرند و جای خودشان ویرانه بجا میگذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونیست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

منصور حکمت را
بخوانید و به دیگران
معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

"... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.

این بار خامی و خوشباوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی طلب اینبار به مراتب تحزب یافته تر خواهد بود.

احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.

اینها الترناتیو حکومتی واحدی را نمیپذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این الترناتیوها و افقها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی طلبی بیشتر اوج میگیرد.

بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صنفی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصفت مقدم جنبش سرنگونی طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری...

« منصور حکمت »

کاتال تلگرامی یک دنیای بهتر



مرگ بر جمهوری اسلامی!



ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

اعتصاب کارگران شفق گروه ملی صنعتی اهواز

روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲، بدنبال پایان اعتصاب کارگران فولاد اهواز، کارگران پیمانی شفق در مقابل درب ورودی گروه ملی تجمع کردند و علیرغم تهدیدات حراست و کارفرما اعتصاب کردند. در توافق حاصل شده، کارگران قراردادی و پیمانی در مورد سطح حقوق ها دستاوردی داشتند اما خواست کارگران شفق مبنی بر تغییر وضعیت از پیمانی به قراردادی هنوز محقق نشده و کارگران در اعتراض به اعتصاب ادامه دادند.

اجتماع کارگران ارکان ثالث حفاری ها

روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری ایران واقع در استان خوزستان بر روی دکل حفاری ۳۷، دکل ۲۱، دکل ۲۵ در همراهی با دیگر بخشهای نفت دست به اجتماع اعتراض زدند.

اجتماع کارگران شرکت نفت فلات قاره در لاوان

روز جمعه ۱۳ بهمن ۱۴۰۲، کارگران شرکت نفت فلات قاره در لاوان برای پیگیری خواستههای خود دست به تجمع اعتراضی زدند. خواستههای کارگران عبارتند از: برکناری مدیران نالایق، حذف سقفحقوق، اصلاح کفحقوق، حذف محدودیت حقوق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت بک‌پی ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت. روز قبل این تجمع وزیر کشور وارد منطقه لاوان شدند اما کمترین اهمیتی به اعتراضات پی درپی کارگران نفت از جمله در شرکت فلات قاره نداد و بدنبال بازدید از پالایشگاه خصوصی لاوان بسرعت منطقه را ترک کرد. جواب اینها را باید با اعتصاب نفس گیر داد.

اجتماع کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری

روز چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۲، نیز کارگران و پرسنل نفت و پاز آغاچاری دست به اعتراض زدند. این اعتراضات که برای هفته های متوالی در جریان بودن است، هنوز با بی توجهی محض مسئولین وزارت نفت روبرو است. خواستههای کارگران و کارکنان شرکت نفت یکسان است اما تاکنون اعتراض و تجمع کوتاه جواب نداده است. برای گرفتن جواب تنها راه اعتصاب است.

اعتصاب کارگران ایران تایر

روز ۱۱ بهمن ۱۴۰۲ کارگران شرکت ایران تایر در اعتراض به حقوق پایمال شده شان دست از کار کشیدند و دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب سومین روز خود را پشت سر گذاشت و بدلیل پائین آمدن حقوق ها بدنبال اجرای حقه بازانه طرح طبقه‌بندی مشاغل در این شرکت است.

نان گران شد؛ سهمیه بندی شروع شد

علیرغم اظهارات مقامات دولتی نرخ نام مرتبا گران میشود و با سهمیه بندی که انکار میشود، تهیه نان خشک دارد به معضل دیگری بدل میشود. □ سیاست دولت بدنبال تجارب قبلی اینست که شوک های اقتصادی را تدریجی و بدون اعلام قبلی پیش ببرد. گرانی مرتب نان در چند ماه اخیر و چند نرخی بودن نان و سهمیه بندی از این جمله اند.

اجتماع پرستاران علوم پزشکی مازندران در ساری

روز ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ پرستاران علوم پزشکی ساری در اعتراض به تعرفه های من درآوردی که عملا اضافه کاری آنها را مجانی میکند، همینطور بدلیل حقوق های پائین و قراردادهای مختلف و نامانی شغلی دست به تجمع و اعتراض زدند. پرستاران خواهان اجرای صحیح قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری و توقف اضافه‌کاری اجباری هستند.

اعتراض کارگران سد دز در اندیمشک

روز ۱۱ بهمن ۱۴۰۲ کارگران اخراجی سد "دز" اندیمشک خوزستان در اعتراض به بیکار شدن از کار دست به تجمع و اعتراض زدند.

اعتراضات بازنشستگان ادامه دارد

روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ بازنشستگان کشوری استان کرمانشاه مقابل صندوق بازنشستگی کشوری اجتماع کردند. در این روز بازنشستگان فرهنگی و تأمین اجتماعی در اهواز نیز اجتماع مشترک برگزار کردند. بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و فرهنگیان بازنشسته اهواز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

اعتصاب عمومی در سمیرم برای لغو اعدام

مردم سمیرم دومین روز اعتصاب عمومی خود را با تعطیلی کلیه اماکن شهری ادامه دادند. این اعتصاب با تهدید شدید نیروهای امنیتی روبرو شده است اما مردم شهر وقعی ننهادند و متحدانه خواهان لغو احکام اعدام شدند. این اعتصاب دو روزه در اعتراض به احکام اعدام فاضل بهرامیان و مهران بهرامیان و خواست آزادی داریوش ساعدی و یونس بهرامیان از دستگیرشدگان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ صورت گرفت. مردم همینطور خواهان لغو حکم غیابی ۸ سال زندان برای بهار شیرین مادر علی عباسی است که طی اعتراضات سال گذشته توسط نیروهای سرکوبگر به قتل رسید. اعتصاب عمومی در سمیرم با اعتراض و اعتصاب در شهرهای کردستان همزمان شد.

اعتراض مردم اراک علیه آلودگی هوا

روز سه شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲ برای سومین باز مردم اراک با تظاهرات و داشتن پلاکارد و شعار در دست در اراک دست به اعتراض علیه آلودگی شدید هوا زدند. زنان اراک جلودار اعتراضات بودند. مردم معترض در باغ ملی این شهر تجمع کردند و به استفاده نیروگاه سازند اراک از مازوت به عنوان سوخت اعتراض دارند. نیروگاه سازند باعث آلودگی شدید هوا در کلانشهر اراک شده است و بویژه بیماران را تهدید میکند. در ایران تنها بدلیل آلودگی هوا سالانه ۲۷ هزار نفر جان خود را از دست میدهند.

فراخوان بازنشستگان برای تجمع اعتراضی

بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه طی فراخوانی برای اجتماع در راستای پیگیری خواستههای تحقق نیافته برای روز یکشنبه ۱۵ بهمن ساعت ۱۰ صبح در مقابل کانون بازنشستگان واقع در انتهای پارک معلم کرمانشاه دعوت کرده اند.

اعتصاب کارگران صنایع غذایی و بستنی اطمینان

روز ۱۱ بهمن کارگران صنایع غذایی بستنی اطمینان تبریز برای سومین روز دست به اعتراض و تجمع زدند. کارگران این کارخانه

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

در اعتراض به دستمزد اندک خود اعتصاب کرده‌اند و خواهان افزایش دستمزد خود هستند.

اعتصاب رانندگان تاکسی های برون شهری در زابل

روز سه‌شنبه ۳ بهمن‌ماه رانندگان تاکسی های برون شهری زابل در اعتراض به قیمت های پائین کرایه، صورت وضعیت، مالیات و عوارض، حق بیمه و حق انجمن، با پارک کردن خودروهای خود اعتصاب کردند.

اجتماع اعتراضی مشتریان خودرو پژو پارس

روشنه ۳۰ دی ۱۴۰۲ تجمع اعتراضی مشتریان خودرو پژو پارس در مقابل ساختمان وزارت صنعت، معدن، تجارت صورت گرفت. در سال گذشته این مشتریان در سامانه شرکت یکپارچه خودرو ثبت نام کردند و مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان واریزی آنها بلوکه گردیده و نوبت تحویل خودرو که پاییز و زمستان ۱۴۰۲ بوده است نیز نامعلوم است و تاکنون فراخوان جهت تکمیل پرداخت وجه و اخذ قرارداد برای مشتریان ارسال نگردیده است. شرکتها مانند دولت همه مشغول سرکشیه کردن مردم اند.

اعتصاب زندانیان قزلحصار

ده زندانی سیاسی محبوس در زندان قزلحصار، زندانی که ۴ زندانی سیاسی را اخیرا برای اجرای احکام اعدامشان به آنجا منتقل کردند، در بیانیه‌ای نسبت به گسترش اعدام‌ها در ایران هشدار داده و نوشته‌اند که در همراهی با سایر زندانیان، هر سه‌شنبه اعتصاب غذا خواهند کرد. نویسندگان این بیانیه «جعفر ابراهیمی»، «زرشت احمدی راغب»، «سپهر امام جمعه»، «لقمان امین‌پور»، «احمد رضا حائری»، «میثم دهبانزاده»، «رضا سلمانزاده»، «حمزه سواری»، «سعید ماسوری» و «رضامحمد حسینی» هستند.

خط اعدام عباس دریس را تهدید میکند

عباس دریس، کارگر دستفروش و شاهد قتل عام نیزار ماهشهر مجددا در خطر اعدام قرار گرفته است.

مادر عباسدریس گفته است: "این بچه‌ها مادر ندارند و عباس همه چیزشو از دست داده و حتی خونه نداره. من دست و پای برای بزرگ کردن این بچه‌ها ندارم. عباس بی گناهه الکی اعدامش نکنید."

فراخوان سازمانهای بین‌المللی برای آزادی توماج صالحی

سازمان‌های بین‌المللی (freemuse) فعال در زمینه آزادی هنر، (safemuse)، حامی هنرمندان در معرض خطر، (FIM)، فدراسیون بین‌المللی موسیقی‌دانان و (ECSA)، اتحادیه آهنگسازان و ترانه‌سرایان اروپا، در بیانیه مشترکی بازداشت مجدد توماج صالحی را محکوم کردند. این سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه هنر و موسیقی، در بیانیه خود خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط توماج صالحی شدند.

قتل سپهر شیرانی زیر شکنجه

امروز، جمعه ۱۳ بهمن، پیکر سپهر شیرانی، دانشجوی ۱۹ ساله اهل بلوچستان که زیر شکنجه شدید در بازداشتگاه اطلاعات سپاه زاهدان جانباخت، در فوج تشییع و به خاک سپرده شد. به گزارش منابع محلی، ماموران امنیتی در مراسم تشییع و خاکسپاری سپهر وسیعا حضور داشتند با اینحال تعدادی از مردم و جوانان شعارهای اعتراض سردادند.

همدردی با خانواده اعدامی ها در کردستان

مردم کردستان در شهرهای مختلف با اعتراض و اعتصاب و حضور در کنار خانواده ها در روستای الک در کامیاران زادگاه پژمان فاتحی، در بوکان در کنار خانواده وفا آذربار و در دهگلان در مقابل منزل پدر

و مادری محمد فرامرزی خانواده های آنها را تنها نگذاشتند و نفرت خود را از جمهوری اعدام اعلام کردند. در اینروز شریفه خانم مادر رامین حسین‌پناهی و همراهان او برای دومین بار در چند روز گذشته توسط مزدوران امنیتی در شهر کامیاران بازداشت شدند. شریفه خانم همراه دختران و دامادش برای دیدار با مادر پژمان فاتحی به شهر کامیاران رفته بودند، اما در شهر کامیاران، چندین نیروی اطلاعاتی با ۳ ماشین پلاک شخصی آن‌ها را بازداشت و به اطلاعات سنندج انتقال می‌دهند.

سوءقصد به جان صالح نیکبخت در زندان اوین

صالح نیکبخت، وکیل شرافتمند خانواده ژینا (مهسا) امینی در زندان مورد سوءقصد و ضرب‌وشتم شدید قرار گرفته و به بیمارستان منتقل شده است. صالح نیکبخت از ناحیه صورت دچار جراحت شدید شده به گونه‌ای که پزشکان برای جراحی ترمیم فک بالا مجبور به پیوند استخوان لگن به فک شده‌اند. نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی با سناریوی از پیش تعیین شده، صالح نیکبخت را به بند زندانیان جرائم خطرناک زندان اوین منتقل کرده‌اند و با تطمیع مزدوران خود در داخل زندان اقدام به سوءقصد به جان این وکیل کرده‌اند.

اکباتان و جوانانش در قلب مردم اند

اخیرا مزدوران رژیم اسلامی جوانان زندانی مبارزه اکباتان را برای تحقیر با لباس زندانی در خیابان چرخاندند. این احمق ها نمیدانند این جوانان در قلب مردم ایران و تهران جا دارند و اتفاقا مشتاق دیدن چهره زیبا و متعزز انقلابی آنها هستند. آقایان؛ امیرمحمد خوش اقبال، حسین نعمتی، مهدی ایمانی، نوید نجاران، علیرضا کفایی، سید محمدمهدی حسینی، میلاد آرمون و علیرضا برمرز پورناک از جوانان بازداشتی اکباتان هستند.

تودهنی مردم به رژیم

حکومتی ها در باصطلاح "دهه فجر" که مردم آنرا دهه زجر مینامند، و در نزدیکی نمایش انتخابات، ادای پلیس خوب را درمبارورند و خواستند به مسافران در فرودگاه گل هدیه کنند. تعدادی را در فرودگاه چابهار بردند که پای پلکان هواپیما به مسافران ورودی با اهدای گل استقبال کنند. اکثریت قریب باتفاق و زنان که بی حجاب بودند، نه نگاه شان کردند و نه گل از دست آنها دریافت کردند و دستجمعی سنگ روی یخ شدند. اینها مسافرانی بیخبر و نسبتا مرفهی بودند که میتوانند با هواپیما سفر کنند، شما حساب کنید اکثریت مردمی که نان شب ندارند.

اعتراضات سراسری در آلمان علیه نژادپرستی

طی روزهای جمعه تا یکشنبه ۱۹ تا ۲۱ ژانویه حدود یک میلیون نفر در سراسر آلمان، از جمله در شهرهای کلن، هامبورگ، فرانکفورت، برلین، هانوفر، دورتموند، بوخوم و دهها شهر دیگر به فراخوان گروههای چپ، ضد فاشیست، فمینیست و اتحادیه های کارگری در اعتراض به سیاستهای نئونازیسیم و اظهارات جلسه مخفی فاشیست ها به خیابان آمدند. براساس آنچه شبکه تحقیقاتی کرکتیو با انتشار نوار جلسه مخفی مشترک حزب راست آلمان با نئونازیسیت های آلمان و حامیان مارتین سلنر، نئونازیسیت اطریشی اخیرا افشا کرد، راست پوپولیست حاکم در همکاری با جریان نونوفاشیست «آ ف د» «تلاش می کنند تا در ادامه انداختن علت همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه آلمان به گردن پناهجویان، هم اخراج پناهجویان و جلوگیری از ورود آنها به کشور و هم کسانی که به نوعی پیشینه غیراروپایی دارند حتی اگر نسل دوم و سوم هم باشند، را شدت دهند.

کشاورزان فرانسه پاریس را محاصره کردند

کشاورزان پاریس را محاصره کرده و راه های منتهی به پایتخت فرانسه را مسدود کردند. معترضان با استقرار صدها تراکتور و تریلی در اطراف پاریس دولت را برای گرفتن امتیازات بیشتر تحت فشار قرار می‌دهند. برخی از معترضان با ذخایر غذا، آب و چادر آمدند تا در صورت عدم تسلیم دولت در سنگرهای خود بمانند. **بدنبال اعتراض گسترده کشاورزان، رانندگان تاکسی نیز به اعتراضات کشاورزان پیوستند و مسیرهای اصلی پاریس را مسدود کردند.** بزرگراه A13 به سمت پاریس در Rocquencourt مسدود شده است.

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

uk

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!